

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت آغاز هفته دولت - 2 / شهریور / 1377

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً هفته دولت را که هم یادآور شهادت عزیزان ملت ایران - شهید رجایی و شهید باهنر - است و هم صحنه ای است برای این که ملت ایران در طول يك سال، به طور تفصیلی با فعالیتهای دولت آشنا شود، به شما عزیزان هیأت دولت و شخص جناب آقای خاتمی - رئیس جمهور محترم و گرامی - تبریک عرض می کنم و از خدای متعال مسألت می کنم که شما برادران و خواهران گرامی و دلسوز و صمیمی و علاقه مند به انجام وظیفه را در این راهی که در پیش گرفته اید موفق بدارد.

همان طور که آقای خاتمی فرمودند، انتخاب این هفته و این مناسبت برای دولت، معنادار است و معنای آن هم همین است که این دولت بر روی این پایه های مستحکم و استوار ایثار و فداکاری و اخلاص بنا شده و ملت عزیز ایران در تاریخ پُرماجرای انقلاب، چنین شخصیتهایی را در مسند خدمت به خود مشاهده کرده است. انسانهای پُرشور و بالیثار و بااخلاص و بی توجه به دستاورد شخصی از خدمت خودشان، در تاریخ این انقلاب پُرشکوه وجود داشته اند؛ هم در رأس دولت - مثل این دو بزرگوار - و هم در سایر بخشها، مثل شهید «عراقی» که ایشان هم در همین روزها ذکر یادشان تکرار می شود، و همچنین شهید «لاجوردی» که دیروز به شهادت رسیدند. این سید بزرگوار هم، در نوع همان مردان بالیثار - مثل شهید رجایی - و آن نوع انسانهای فداکار بود؛ چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب. اینها برای ما درس است. این يك جریان است که بحمدالله امروز هم دولت جمهوری اسلامی و مسؤولان، در همین مجرا و در همین مسیر حرکت می کنند.

برادران و خواهران عزیز! آنچه که کارها را آسان می کند، این است که هدفمان اعلائی کلمه الهی است. هر کدام از شما دوستان، در هر جا که هستید، مقصودتان این است که بتوانید کلمةالله را اعلاء کنید. وقتی ما توانستیم يك کشور و يك نظام و يك مجموعه عظیم مردمی را در بستر احکام و ارزشهای الهی به سعادت برسانیم و آنها را چه از لحاظ معنوی، فکری، روحی و اخلاقی و چه از لحاظ مادی و معیشتی، به وضع مطلوب خودشان نزدیک کنیم و به نهایت برسانیم، این حرکتی است در راه اعلائی کلمةالله. غرض و مقصود از بعثت انبیا و این مبارزات عظیم انبیا در تاریخ هم همین بود.

امروز نوبت ماست و میدان فداکاری در پیش ما باز است. همه باید تلاش کنیم، زحمت بکشیم، فشارها را تحمل کنیم و سختیها را به جان بخریم، برای این که بتوانیم يك الگوی درست از زندگی يك ملت و اداره يك کشور به مردم دنیا ارائه دهیم. هدف این است که هم مردم را به سعادت اسلامی و به آنچه که اسلام برای آنها خواسته، برسانیم و هم این نمونه را در دنیا در مقابل چشم انسانها قرار دهیم؛ که خوشبختانه نمونه پُر جاذبه ای هم هست.

علی رغم تبلیغات دشمنان که این همه از اول انقلاب تا امروز، علیه نظام اسلامی، علیه شیوه اسلامی در اداره حکومت و علیه اهداف و مقاصد اسلامی حرف زدند و نوشتند و تبلیغ کردند، بحمدالله روش اسلامی و نظام اسلامی - که متجسد در جامعه اسلامی ماست - در چشم مردم دنیا، همچنان يك نمونه پُر جاذبه است و اگر فارغ از تبلیغات نگاه کنیم، خواهیم دید که مردم دنیا هنوز هم عشق می ورزند. البته آن کسانی که در جریان امور قرار می گیرند و این شعاع تبلیغات بد در آنها خیلی کارگر نمی شود و سختیهای نظام جاهلی را حس می کنند، هنوز هم این نظام و این الگو را يك الگوی مطلوب می دانند. ما هر چه می توانیم، باید در روشن کردن و شفاف کردن آن تلاش کنیم.

بحمدالله در این مدتی که عمر کوتاه دولت کنونی است، زحمات زیادی کشیده شده و من به برادران و مسؤولان محترم توصیه می کنم که مردم را در جریان کارها قرار دهند. وعده هایی که عمل می شود، به مردم گفته شود. از قدمهایی که در جهت هدفها برمی دارید، مردم مطلع شوند. خیلی کارها می شود و خیلی پیشرفتها انجام می گیرد

که مردم از آنها مطلع نیستند و احیاناً دشمن بزرگنمایی نقاط ضعف هم می کند. امروز بیشترین تلاش دشمن بر این متمرکز است که نقطه ضعفی که وجود ندارد، خلق کند و اگر وجود دارد، در کشور بزرگنمایی کند تا مردم را از دلبستگی و پیوندی که با نظام اسلامی دارند، منقطع نماید. تلاش شما در کار و بیانان برای مردم، می تواند جلو این را بگیرد.

من به برادران و خواهران یک توصیه عرض می کنم: کار را با اخلاص و برای خدا انجام دهید؛ چون کار شما برای اداره یک کشور اسلامی است و این آن چیزی است که خداوند متعال بزرگترین عبادتها را در این حد نمی شناسد. واقعاً اگر شما عالیتترین عبادات فردی را محاسبه کنید، در قبال این قرار نمی گیرد که انسان برای اداره یک کشور به شکل اسلامی تلاش کند. این از همه تلاشهای فردی - اگر با اخلاص انجام گیرد - بالاتر است. اگر اخلاص باشد و برای خدا باشد - همان طور که عرض کردیم - این کار فرصت بزرگی برای شماست و از همه کارهای فردی و عبادات فردی بالاتر است. البته اگر برای خدا نباشد و اخلاص در کار نباشد، این اجر را که ندارد هیچ، پیشرفت هم ایجاد نخواهد شد.

برادران و خواهران! سعی کنید در همه برنامه ریزیها و در همه تلاشها، نیتتان این باشد که رضای الهی را کسب کنید. این، ما را هدایت هم خواهد کرد. وقتی ما این طور تصمیم بگیریم و اراده کنیم و بخواهیم، طبعاً دچار برخی اشتباهاتی که از رفتار خود ما هم ناشی می شود، نخواهیم شد. بحمدالله در زمینه مسائل داخلی کارهای خوبی شده است که از جمله کارها همین است که جناب آقای خاتمی اشاره کردند: طرح ساماندهی اقتصادی. این را باید از صورت یک نوشته و یک تصمیم خارج کنید و راههای عملی آن را با قوت و با ایمان کامل به لزوم و وظیفه بودن این کار، مشخص نمایید. البته ممکن است کسانی در جامعه باشند - چه صاحبانظران و چه افراد دیگر - که نظرات اقتصادی دیگری داشته باشند. ما ایرادی نداریم بر این که کسی نظر مخالفی داشته باشد؛ اما همه موظفند همکاری کنند تا این کار انجام گیرد. این تصمیم گیری، باید یک تصمیم گیری حقیقی و بلندمدت باشد و آنچه که در این مجموعه به عنوان سیاست اعلام شده است، تحقق پیدا کند؛ آنچه که به عنوان راهکار پیش بینی شده است، قدم به قدم دنبال شود و ان شاءالله اجرا گردد. مردم حقیقتاً شایستگی این را دارند که مسؤولان همه وقت و همّت خودشان را مصروف این کار کنند.

در زمینه مسائل کشور و بخصوص در زمینه مسائل اقتصادی، توجه به اشتغال جوانان و جهتگیری فکری و روحی و فرهنگی آنان، خیلی مهم است. امروز عمده مخاطبان ما در کشور، جوانانند. خوشبختانه نیروی عظیم این کشور، ناشی از نیروی جوان است. این فرصتی است و می تواند به عنوان یک نقطه قوت به کار رود. البته دشمن، درست در نقطه مقابل آنچه که شما می خواهید، سعی می کند که این نقطه قوت را به نقطه ضعف تبدیل کند؛ جوانان را به فساد بکشاند؛ از لحاظ فکر سیاسی، از لحاظ رفتار اجتماعی، از لحاظ رفتار فردی، با تبلیغاتش آنها را دچار آلودگی کند.

در داخل هم متأسفانه کسانی هستند که در این جهت کار می کنند؛ همان کاری را می کنند که درست دشمن دنبال آن کار است: ایمان جوانان را ضعیف کردن، پیوند آنها را با نظام و با مسؤولان کشور سست کردن، آنها را به آینده بدبین و دلسرد کردن، آنها را نسبت به محیطی که در آن زندگی می کنند، بی اعتقاد کردن. این کارها متأسفانه انجام می گیرد. البته از دشمن، غیر از تلاش خصمانه، توقع دیگری نیست. آنچه که ما از خودمان توقع داریم، این است که بایستی تلاشمان را در خنثی کردن هدفهای دشمنان متمرکز کنیم.

در زمینه مسائل خارجی هم، این روشی را که امروز دولت در پیش گرفته است - یعنی در تماس بیشتر بودن با کشورها و عادی کردن روابط با همه کشورهایی که می توانیم با آنها ارتباط برقرار کنیم - من تأیید می کنم؛ روش درستی است. در زمینه سیاست خارجی باید سعی کنید که همه در دنیا بدانند که ملت و دولت ایران، انگیزه و هدفش این است که می خواهد با فکر خود، با نیروی خود، با اراده خود، در راه سعادت خود قدم بردارد. این آن چیزی است که ما به عنوان یک ملت دنبالش هستیم. حق ملت ما هم هست که در فکر این باشد که با ذهنیت خودش، با فکر خودش، با فلسفه خودش، با دین و ارزشهای خودش، راههای سعادت و تکامل را بییامد. البته کسانی که سعی

دارند فرهنگ و روش خودشان را تحمیل کنند، این را نمی پسندند؛ لیکن مردم بی غرض و بی نظر دنیا، این را می پسندند. در ارتباطات دیپلماسی ما، باید بر این استقلال و بر این عزت اجتماعی تکیه شود، که بحمدالله می شود و این روش درستی است. ما با ملتهای دنیا و با دولتهای گوناگون عالم، بنای همکاری و تفاهم داریم؛ البته نه با زورگویان و کسانی که می خواهند همه مسائل را با تکیه بر قدرت خودشان حل کنند؛ مثل امریکا. با اینها آیمان در یک جوی نمی رود.

ملاحظه کنید! در همین قضایای اخیر، آنچه که در سودان و افغانستان اتفاق افتاد، به هیچ وجه مورد قبول انسانهای مستقل دنیا نیست. نمی شود قبول کرد که دولتی به اتکای این که می تواند به خاک یک کشور دوردست و به یک ملت دیگر حمله کند، تهاجم نماید. استدلالش هم فقط این باشد که من می توانم، پس می کنم! این غلط است. این روش، روش مردود ملتهای مستقل دنیا است. ما به عنوان جمهوری اسلامی، از اول این شجاعت را داشتیم که این روش را محکوم کنیم. بعضی از کشورهای دیگر، با این که این روش را نمی پسندند، حاضر نیستند آن را محکوم کنند. ما هرگز زیر بار این گونه قدرت نماییها نرفتیم و نخواهیم رفت.

این کاری که در افغانستان یا در سودان انجام گرفت، دو اشکال بزرگ دارد: اولاً از لحاظ انسانی، یک عمل جنایت آمیز است. من «اسامه بن لادن» را نمی شناسم و کشتن مردم بومی غیر نظامی کنیا و تانزانیا را هم به هیچ وجه تأیید نمی کنم - به این چیزها ما راضی نیستیم - اما این حرکتی که اینها در افغانستان انجام دادند، به همان اندازه محکوم است که آن حرکتی که در آن جا از لحاظ کشتار انسانهای غیر نظامی و غیر دخیل در یک اقدام نظامی انجام گرفت. به عنوان حمله به دشمن، به یک عده انسان بی دفاع حمله می کنند؛ دهها موشک پرتاب می کنند؛ یا در سودان کارخانه ای را از بین می برند؛ یا حرس زدیم، یا فهمیدیم که دست دشمن ما در این جاست! این روش غلطی است؛ این یک جنایت است. هر کس مرتکب این جنایت شود، محکوم است. دولت امریکا هم محکوم است؛ او یک تروریسم است. حرکت او، یک حرکت تروریستی است؛ تروریسم دولتی است. جرمش هم بزرگتر از این است که افراد غیر مسؤول مرتکب کارهای تروریستی شوند.

جهت اشکال دوم که مخصوص این کار است و در کار مخالفان اینها وجود نداشته است، این است که این تجاوز به یک کشور دیگر است؛ تعرض به حریم زندگی یک ملت است. قدر مسلم، یکی از فوایدی که مرزهای کشورهای دارد - ممکن است فوایدی داشته باشد، مضارّی هم داشته باشد - این است که مثل یک حصار امنیتی است که در درون آن، ملتها زندگی می کنند. به چه مناسبتی کشوری این حصار را در هم می شکنند و بدون این که هیچ گونه اعلام جنگی با دولت آن کشور شده باشد، وارد می شود و همین طور بر طبق میل خودش، با غرور و نخوت و خودخواهی، این کار را انجام می دهد؟! بنابراین، این کار، حرکتی است محکوم و غلط. ما این روش سیاست قلدربآبانه را نمی پسندیم و آن را رد و محکوم می کنیم. علت این که از اول انقلاب تا به حال، دولت جمهوری اسلامی در مقابل پدیده ای که اسمش را «استکبار» می گذارد، ایستاده، همین است که این روشهای خودخواهانه و قلدربآبانه و متکی به قدرتهای ظالمانه را مردود دانسته و آنها را رد می کند. به همان اندازه ای که کار «طالبان» در حمله به مردم بی دفاع «مزارشریف» محکوم است، به همان اندازه کار امریکا در حمله به مردم سودان و مردم افغانستان و کشتن انسانهای غیرنظامی محکوم است. دشمنان اسلام هم این موضع را از ما، دانسته اند. کسانی هم که دشمن قدرتهای ستمگر و ظالم هستند، آنها هم فهمیدند و دانستند و می دانند که راه و هدف ما، هدف و راهی است که اسلام معین کرده است. نه در آن ظلم است، و نه تجاوز به حقوق انسانها و نه بی اعتنائی به تجاوزهایی که مردم ظالم نسبت به مردم مظلوم انجام می دهند. حقوق انسان در آن، در حداکثر میسور و ممکن رعایت شده است. هدف ما این است، راه ما این است؛ تا به حال هم بحمدالله این هدفها را تعقیب کرده ایم. امیدواریم که بعد از این هم بتوانیم با قدرت و با قاطعیت و با همان تلاشی که شما برادران مسؤول در دولت جمهوری اسلامی مبذول می کنید و انجام می دهید، ان شاءالله این راه را ادامه دهیم.

آخرین عرضم این است که برادران و خواهران عزیز! این مدت مسؤولیت در دولت را قدر بدانید. این مسؤولیتها

گذراست ؛ آنچه که برای شما باقی می ماند، اجر و ثوابی است که بر اثر کار برای مردم به شما خواهد رسید و خدای متعال شما را مشمول آن اجر و ثواب خواهد کرد. مردم هم قدر دولت و قدر مسؤولان خدمتگزار را می دانند. سرمایه عظیم پشتیبانی آنها از شما، سرمایه خدادادی است. این سرمایه را باید حفظ کنید، که با همین تلاش مخلصانه، ان شاءالله حفظ خواهد شد. امیدواریم که ان شاءالله کار شما مرضی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه واقع شود و روح مطهر امام از شما شاد باشد و ارواح طیبه شهدا از همه شما خشنود باشند ؛ ما هم شما را دعا خواهیم کرد. خدای متعال شما را در این راه سرافرازانه و پرافتخار کمک کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته